خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۷ . ۲۰ رجب ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۷۸۹

قاچاقچیان حشیش در چنگ قانون

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت از کشف ۵۰ کیلوگرم حشیش از یک باند سه نفره قاچاق مواد مخدر خبر داد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان؛ سرهنگ محمد بخشنده رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت از کشف ۵۰ کیلوگرم حشیش از یک باند قاچاق مواد مخدر خبر داد. وی افزود: در این باره سه نفر از توزیع کنندگان در شهر ری توسط ماموران پایگاه نهم دستگیر شدند.

اعترافات عامل آتش‌سوزی قهوه‌خانه اهواز: پشیمانم قصدم کشتار نبود

عامل حادثه آتش‌سوزی قهوه‌خانه نوارس در اهواز که منجر به مرگ ۱۱ نفر شد در اعترافات جدید خود بیان کرد که بعد از دستگیری متوجه فوت ۱۱ نفر شده است.
به گزارش مهر، عامل آتش‌سوزی قهوه‌خانه‌ای در اهواز در اعترافاتی که از یکی از شبکه‌های تلویزیونی پخش شد، اظهار کرد: من محمد محزون نژاد متولد ۱۳۸۰ هستم. من و شوهر خاله‌ام دچار یک مشکل شخصی شدیم و او توهین‌هایی به من کرد و من در آن شب در حالت عادی خودم نبودم. رفتم سمت قهوه‌خانه و در ورودی آن بنزین ریختم و فرار کردم.
وی ادامه داد: وقتی دستگیر شدم تازه فهمیدم که چه اتفاقی افتاده است و ۱۱ نفر کشته و تعدادی هم مجروح شده‌اند. بابت این مسئله پشیمانم و این کار من بسیار اشتباه بود.
محزون نژاد بیان کرد: انتظار دارم بعد از این حادثه بین اقوام من و اقوام فوتی‌ها و مجروحان اختلافی پیش نیاید چون من به صورت شخصی دست به این اقدام زدم و کسی من را به این کار ترغیب نکرد و صرفاً مسئله شخصی بود.
عامل آتش‌سوزی قهوه‌خانه نوارس گفت: واقعاً اطلاع نداشتم چنین اتفاقی رخ می‌دهد و این که تعدادی کشته و مجروح می‌شوند. یکی زن و بچه داشت، دیگری خواهرانش را سرپرستی می‌کرد. واقعاً هدفم این نبود که چنین اتفاقی رخ دهد.
وی تأکید کرد: ای کاش قبل از این که دست به آتش‌زدن قهوه‌خانه می‌زدم، موضوع را با بزرگان فامیل در میان می‌گذاشتم تا مشکل را حل کنیم ولی متأسفانه اعصابم به هم ریخت و تصمیم درستی نگرفتم.
به گزارش خبرنگار مهر، ساعت یک بامداد روز چهاردهم فروردین در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع آتش‌سوزی در قهوه‌خانه‌ای در شهرستان اهواز در ساعت حدود یک بامداد، بلافاصله مأموران پلیس و نیروهای امدادی در محل حادثه حاضر شدند.
در این حادثه ۱۱ نفر کشته و چندین نفر دیگر مجروح شدند که توسط نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شدند.
به فاصله چهار ساعت مظنون این حادثه دستگیر شد و به سرعت به آتش زدن این قهوه‌خانه اعتراف کرد. فرد دستگیر شده یک جوان ۱۷ ساله است که به علت اختلاف با مدیر قهوه‌خانه که شوهر خاله وی به شمار می‌رود، دست به این اقدام زده است.
متهم بعد از دستگیری به اقدام جنون‌آمیز خود اعتراف کرده و بازسازی صحنه جرم نیز در محل در صبح همان روز انجام شده است.

در آستانه بازسازی صحنه جنایت انجام شد

گفت‌وگو با «زالوی کثیف»

اختصاصی خراسان

سید خلیل سجادپور - همه از من نفرت دارند! حتی مجرمان هم به گونه‌ای دیگر نگاهم می‌کنند! کابوس‌های وحشتناک رهایم نمی‌کنند! اگر مادرم ماجرای این حادثه را بشنود، نمی‌دانم...
به گزارش اختصاصی خراسان، این‌ها بخشی از اظهارات مرد ۴۱ ساله‌ای است که نهم فروردین به اتهام قتل و آزار و اذیت دختر ۶ ساله‌ای به نام «ندا» در مشهد دستگیر شد. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی ۲ ساعته خبرنگار خراسان با «ع- الف» است که بعد از وقوع این جنایت هولناک در محله خودشان به «زالوی کثیف» معروف شد.
چند سال داری؟ متولد سال ۱۳۵۵ هستم.
چقدر سواد داری؟ تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواندم و بعد هم درس و مدرسه را رها کردم.
اهل مشهدی؟ خانواده‌ام اهل تربت حیدریه هستند اما من از زمانی که به خاطر دارم از همان کودکی در مشهد بودم.
یعنی در قلعه ساختمان؟ نه! ساکن منطقه خواجه ربیع بودیم ولی بعد از آن که مادر و برادرم سهم مرا از منزل ارثیه پدری خریدند من هم به قلعه ساختمان (شهرک شهید رجایی) آمدم.
پدرت فوت کرده است؟ بله! حدود دو ماه بعد از آن که من ازدواج کردم. او هم فوت کرد.
بیمار بود؟ بله! سرطان خون داشت.
چند خواهر و برادر هستید؟ پدرم دو بار ازدواج کرد به همین خاطر تعداد خواهران و برادرانم زیاد است.
بعد از ترک تحصیل چه می‌کردی؟ شاگرد خیاطی شدم و پیراهن دوزی را آموختم تا آن که به خدمت سربازی رفتم.
بعد از پایان سربازی هم همین شغل را ادامه دادی؟ بله! برای کار به جنوب کشور رفتم و در بندرعباس در یک شرکت پیراهن دوزی می‌کردم!
چرا در مشهد نماندی؟ آن جا پیراهن ایرانی می‌دوختیم و مارک خارجی می‌زدیم تا بهتر بخرند!! ولی نمی‌دانم صاحبکارم پیراهن‌ها را کجا می‌فروخت!
یعنی به کشورهای دیگر صادر می‌کرد؟ نمی‌دانم اما همه آن‌ها مارک تقلبی داشتند.
پول‌هایت را چه می‌کردی؟ همه را خرج می‌کردم، البته گاهی مقداری هم به مادرم می‌دادم.
مگر ازدواج نکرده بودی؟ آن زمان نه! ولی در مدت کوتاهی بعد از آن که از بندرعباس آمدم، با یکی از بستگان پدرم ازدواج کردم. تقریبا ۲۱ ساله بودم که پای سفره عقد نشستم.
یعنی خودت در ماجرای ازدواج دخالتی نداشتی؟ چرا! همسرم را به خاطر رفت و آمدهای فامیلی در تربت حیدریه دیده بودم.
می خواهی بگویی، همسرت انتخاب تو نبود؟ ما از دوران خردسالی به نام یکدیگر بودیم. یعنی پدرم زمانی که من کوچک بودم به خانواده همسرم گفته بود که دخترتان عروس من است!! تا این که یک روز برای او خواستگار آمد. پدرم که بیماری سرطان داشت و می‌ترسید عروسی مرا نبیند بلافاصله دست به کار شد و مرا به تربت حیدریه بردند که در آن جا هم ازدواج کردیم.
الان هم با همان همسر زندگی می‌کنی؟ نه! او از من طلاق گرفت. البته چهار سال نامزد بودیم و سه سال هم زندگی مشترک داشتیم. بعد از آن طلاقش را گرفت.

عکس‌ها اختصاصی خراسان

همسرت از ماجرای اعتیاد تو خبر داشت؟ نه! او نمی‌دانست و من به طور پنهانی مصرف می‌کردم تا این که روزی فهمید و زمانی از من طلاق گرفت که معتاد شده بودم!
چرا دوران نامزدی شما تا چهار سال طول کشید؟ دست پدرم خالی بود از سوی دیگر هم می‌خواست مراسم عروسی خواهرم را برگزار کند به همین دلیل من بعد از خواهرم، زندگی مشترک را آغاز کردم.
سه سال زمان خیلی اندکی است تا «بارداری» انگیزه مهمی برای طلاق شود؟ البته همسرم بعد از من با فرد دیگری ازدواج کرد و صاحب فرزند شد ولی از من طلاق گرفت!!
پدرت زنده بود که طلاق گرفتی؟ نه! پدرم حدود دو ماه بعد از ازدواج من فوت کرد.
اولین سیگار را کجا کشیدی؟ اولین بار یکی از دوستانم در دوران خدمت سربازی سیگار تعارفم کرد و بعد از آن هم دیگر خودم می‌خریدم!
چه مدت گذشت تا دوباره ازدواج کردی؟ فقط دو روز!!
چرا؟ به خاطر لج بازی با خانواده همسر سابقم!
یعنی از قبل زمینه را آماده کرده بودی؟ نه! درست دو روز بعد از آن که مهر طلاق در شناسنامه ام ثبت شد و به قول معروف هنوز جوهر این مهر خشک نشده بود که سوار اتوبوس یکی از بستگان مادرم شدم تا از تربت به مشهد بیایم. در بین راه با راننده صحبت می‌کردم که از دادگاه می‌آیم و چنان و چنان! او هم خندید و گفت: امشب با مادرت به خانه فلانی بیایید (او هم از بستگان مادرم بود) تا برای خواستگاری صحبت کنیم.
همان شب به توافق رسیدید؟ بله! به خاطر فامیلی از یکدیگر شناخت داشتیم.
همسرت مجرد بود؟ نه! او حدود چهار سال قبل از همسرش طلاق گرفته بود در حالی که یک دختر داشت.
بعد از ازدواج، دختر همسرت هم با شما زندگی می‌کرد؟ نه! حضانت او را شوهر سابق همسرم به عهده داشت. البته بعد از ازدواج، گاهی او را به خانه می‌آوردم تا مدتی را کنار مادرش باشد. الان هم ۱۴ ساله است و به تازگی نامزد کرده است.
خودت چند فرزند داری؟ ۳ پسر ۱۲، ۱۰ و ۳/۵ ساله دارم.
چه شد که به میوه فروشی روی آوردی؟ بیکار بودم، کار ساختمانی انجام می‌دادم ولی به دلیل اعتیادم و این که کار کم بود بیکار مانده بودم تا این که ۵۰۰ هزار تومان از خواهرم قرض گرفتم و داخل حیاط منزلم میوه فروشی راه انداختم. البته دیسک کمر هم دارم.
روزی چقدر مواد مصرف می‌کنی؟ کم حدود ۵ هزار تومان!
همسرت از ماجرای اعتیادت خبر دارد؟ بله! او می‌داند البته گاهی از قرص‌های ترک اعتیاد هم استفاده می‌کنم!
تا کنون چند بار ترک کرده‌ای؟ نمی‌دانم! ولی عید پارسال ترک کردم که نشد و دوباره به مصرف شیره ادامه دادم.
«ندا» (مقتول) را می‌شناختی؟ آن‌ها همسایه نزدیک ما بودند پدرش افغانی بود و منزلشان چند حیاط بیشتر با خانه ما فاصله نداشت به همین خاطر کاملا خانواده‌اش را می‌شناختم!
انگیزه‌ات چه بود؟ خودم هم نفهمیدم! وقتی «ندا» را در کوچه دیدم که برای گرفتن نان می‌رود شیطان وارد جلدم شد. قبل از آن نزد خرده فروشی مواد رفته بودم و مقداری شیره خریدم. بعد از مصرف مواد، وقتی «ندا» (دختر ۶ ساله) در حال بازگشت به خانه‌اش بود او را به بهانه دادن غذا به منزل اجاره‌ای‌ام کشاندم و...
چرا او را کشتی؟ ترسیده بودم! او گریه می‌کرد و من می‌ترسیدم رسوا شوم چون گفت موضوع را به مادرش می‌گوید!

جسد دختربچه را چه کردی؟ داخل کیسه گونی گذاشتم و در کوچه خلوت رها کردم البته همیشه آن کوچه شلوغ بود ولی آن لحظه خیلی خلوت شده بود. زنبیل نان و کفش هایش را هم پشت بام انداختم.
بعد از قتل کجا رفتی؟ پشیمان شده بودم امانمی‌دانستم چه کنم فقط آرزو می‌کردم که زنده شود! بعد از رها کردن جسد، به خانه مادرزنم رفتم چون همسر و فرزندانم آن جا بودند و من برای بردن غذاهای مانده از ظهر به خانه آمده بودم که این حادثه رخ داد.
ماجرا را به کسی هم گفتی؟ فقط به برادرزنم گفتم!
بعد چه شد؟ دوباره به محل رها کردن جسد باز گشتم. فکر می‌کردم شاید زنده شده باشد اما با دیدن مردم دوباره به خانه مادرزنم رفتم و به هیچ کس چیزی نگفتم.
چگونه دستگیر شدی؟ روز بعد وقتی به همراه خانواده و برادرزنم به خانه آمدم تا کسی به من شک نکند ناگهان افسر آگاهی دستبند را به دستانم گره زد.
چرا همراه خانواده‌ات وارد حیاط نشدی؟ من رفتم نوشابه بخرم و از ترس اطراف را هم نگاه می‌کردم!
فکر می‌کردی به همین زودی دستگیر شوی؟ نه! چون هیچ کس مرا هنگامی که ندا را به داخل حیاط بردم یا جسد را انداختم، ندیده بود. نمی‌دانم افسر آگاهی چگونه مرا دستگیر کرد.
اگر کسی با یکی از اعضای خانواده خودت این کار را بکند چه می‌کنی؟ نگویید! دیوانه می‌شوم!!
به افراد دیگری که مانند تو سودای چنین کار کثیفی را در ذهن دارند چه می‌گویی؟ عاقبت مرا ببینند! حتی مجرمان دیگر به من می‌گویند حیف است تا فردا زنده باشی! باید زودتر اعدامت کنند. من می‌ترسم و شب‌ها کابوس می‌بینم. چرا که چند خانواده را به هم ریختم و بدبخت کردم! شیطان فریبم داد!!

خبر مرتبط

«زالوی کثیف» صحنه جنایت هولناک را بازسازی می‌کند

ساجدی- مرد ۴۱ ساله‌ای که به «زالوی کثیف» معروف شده است با صدور دستوری از سوی قاضی احمدی نژاد (بازپرس ویژه قتل عمد مشهد) امروز صبح صحنه جنایت هولناک خود را بازسازی می‌کند. به گزارش اختصاصی خراسان، این مرد که «ع-الف» نام دارد پس از آن که «ندا» دختر ۶ ساله افغانی را به لانه شیطانی خود کشید و پس از آزار و اذیت، او را به قتل رساند، با تلاش شبانه روزی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی و صدور دستوراتی از سوی قاضی ویژه قتل عمد، دستگیر شد. این جنایت وحشتناک هفتم فروردین در منطقه شهرک شهید رجایی مشهد رخ داد و متهم به قتل در کمتر از ۴۸ ساعت با تیزهوشی مقام قضایی و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی در حالی به چنگ قانون افتاد که سرهنگ رزمخواه (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) نیز با تشکیل گروه ویژه پیگیری این جنایت، فرماندهی عملیات را به عهده گرفته بود.

«سگ آزار» در خوزستان دستگیر شد

فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست گفت: فرد سگ آزار توسط پلیس فتا در استان خوزستان دستگیر شد.

به گزارش ایسکانیوز، طی روزهای گذشته فیلمی از آزار و اذیت سگ‌ها توسط یک فرد در فضای مجازی منتشر شد که واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت.
به دنبال پیگیری این موضوع که در استان خوزستان اتفاق افتاده است، فعالان محیط زیست تلاش‌های خود را برای شناسایی و دستگیری این فرد آغاز کردند.
جمشید محبت خانی، فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست در این خصوص گفت: مشخصات فرد سگ آزار به فرمانده یگان‌های محیط زیست استان‌ها داده شده بود تا در صورت شناسایی این فرد دستگیر و به دستگاه قضایی معرفی شود.
وی افزود: هم اکنون در یک تماس تلفنی، رئیس پلیس فتای خوزستان اعلام کرد فرد سگ آزار دستگیر شده است.

گردشگر ایرانی در مهمانسرای تفلیس زنده‌زنده سوخت!

یک ایرانی روز جمعه گذشته بر اثر آتش سوزی در مهمانسرایی در مرکز شهر تفلیس پایتخت گرجستان، جان باخت و سه نفر دیگر نیز دچار سوختگی شدند.
به گزارش رکنا، در محل وقوع حادثه که پیشتر یک ساختمان مسکونی بوده و به تازگی به مهمانسرا تبدیل شده بود، چند گردشگر ایرانی مستقر بودند.
براساس این گزارش و به نقل از ساکنان محلی، آتش سوزی از طبقه اول این ساختمان دو طبقه شروع شده و سپس به طبقه بالا سرایت کرده است.
«ماموکا گیریملی» معاون اداره حوادث غیر مترقبه تفلیس، درباره این حادثه اعلام کرد، فرد جان باخته تبعه ایران و ۷۰ ساله بود.
وی اشاره ای به هویت فرد جان باخته و خسارت دیدگان این حادثه نکرد.
شش گروه آتش نشانی موفق به مهار آتش سوزی شدند. پاییز سال گذشته نیز، آتش سوزی در هتلی در بندر باتومی گرجستان منجر به کشته شدن ۱۱ نفر شد که یکی از جان باختگان ایرانی بود.

توضیحات آتش‌نشانی درباره حادثه مفقود شدن چند نفر در توچال

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران عصر روز گذشته با تکذیب خبر بهمن و مفقود شدن ده‌ها نفر در ارتفاعات توچال گفت که تنها چند اسکی باز هنگام برگشت راه را گم کرده بودند که پیدا شدند.
جلال ملکی در گفت و گو با ایسنا درباره اخبار مربوط به مفقود شدن چند فرد در ارتفاعات توچال اظهار کرد: ساعت ۱۱:۰۷ روز جمعه در پی انتشار خبری مبنی بر وقوع بهمن و مفقود شدن ده‌ها نفر در ارتفاعات توچال، دو تیم امداد و نجات سازمان آتش‌نشانی که در دره و ایستگاه ۵ توچال مستقر بودند، به سمت ارتفاعات توچال حرکت کردند و همچنین تیم‌های ویژه کوهستان فدراسیون کوهنوردی، عوامل حاضر در تله کابین توچال و یک تیم از هلال احمر نیز به سمت ارتفاعات حرکت کردند و مشخص شد که این خبر صحت ندارد.
سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران ادامه داد: حادثه به این صورت بود که چند اسکی باز، به دلیل تغییرات جوی راه برگشت را گم کرده بودند و یکی از آن‌ها که به پایین‌تر آمده بود این موضوع را اعلام کرده و گفته بود که مطمئن نیست همراهانش همچنان مفقود هستند یا این که مانند او به پایین آمده‌اند.
وی افزود: تمام تیم‌های حاضر با تجهیزات مخصوص مسیرها را بررسی کردند و خوشبختانه این افراد پیدا شدند و اعلام شد که دیگر فرد مفقودی وجود ندارد.

از میان خبرها

سقوط تیر چراغ برق قربانی گرفت

به گزارش میزان، وزش باد در داراب سبب سقوط تیر چراغ برق روی موتورسیکلت در حال حرکت شد. بر اثر این اتفاق راکب جان باخت و ترک نشین به بیمارستان داراب منتقل شد. عابدی رئیس اداره هواشناسی داراب سرعت وزش باد را ۵۰ کیلومتر بر ساعت اعلام کرد و افزود: با توجه به افزایش سرعت وزش باد در استان فارس، به شهروندان توصیه می‌شود نکات ایمنی لازم را رعایت و تا حد امکان از حضور در فضای باز خودداری کنند.

کشف ۳۱۵ کیلو مواد مخدر در درگیری مسلحانه پلیس با قاچاقچیان

توکلی - فرمانده انتظامی رودبار جنوب از کشف ۳۱۵ کیلو مواد مخدر در درگیری مسلحانه با قاچاقچیان مواد مخدر در دو عملیات پلیسی خبر داد. به گزارش خراسان، سرهنگ فیروز بخت گفت: در این دو عملیات یک دستگاه خودرو متعلق به قاچاقچیان متلاشی و دو خودروی دیگر نیز توقیف و یک قاچاقچی دستگیر شد. وی افزود: تعدادی از قاچاقچیان که عرصه را بر خود تنگ دیدند از محل متواری شدند و تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری این افراد در منطقه ادامه دارد.

بیماری ناشناخته ۴۵۰ سپیدانی را روانه بیمارستان کرد

فرماندار سپیدان درباره آخرین وضعیت مسمومان برخی از اهالی این شهرستان، توضیحاتی ارائه کرد.
به گزارش فارس، شبیر زارع خفری دیروز درباره آخرین وضعیت مسمومیت برخی از اهالی این شهرستان اظهار کرد: از روز چهارشنبه گذشته تا صبح دیروز حدود ۴۵۰ نفر به بیمارستان امام حسین شهرستان سپیدان مراجعه کرده که علایمی همچون سردرد، سرگیجه و تهوع داشته‌اند. وی افزود: با افزایش آمار مبتلایان و مراجعه کنندگان به بیمارستان امام حسین (ع)، فرمانداری شهرستان با تشکیل کمیته بحران وارد عمل شد. فرماندار سپیدان اذعان داشت برای اطمینان بیشتر آب شهرستان را برای آزمایش به شیراز فرستادیم و با نمونه گیری از مسمومان نتیجه قطعی این مسمومیت ها تا روز شنبه اعلام خواهد شد.

۴ کشته و ۱۱ مجروح در سانحه رانندگی خونین

صبح دیروز واژگونی خودروی پژو در محور مهریز-انار، منجر به فوت ۴ نفر و مصدومیت ۱۱ تن شد.
به گزارش گروه حوادث رکنا، ساعت ۶:۱۵ صبح دیروز واژگونی یک خودروی پژو، در محور مهریز-انار در استان یزد، منجر به مرگ ۴ نفر و مصدومیت ۱۱ تن شد.
نیروهای عملیاتی پایگاه امداد و نجات جاده‌ای زین الدین مهریز استان یزد به محل حادثه اعزام و طی این عملیات ۱۱ مصدوم به بیمارستان منتقل و ۴ جسد هم رهاسازی شدند.

دستبند پلیس بر دستان ۴ زن جیب بر

سجادی- رئیس پلیس مشهد از متلاشی شدن باند زنان جیب بر در مشهد خبر داد.
سرهنگ اکبر آقا بیگی گفت: در پی گزارش جیب بری و کیف زنی های حرفه ای و تیزدستانه از خانم هایی که مسافر اتوبوس های خط بی آرتی در مشهد بودند طرح ویژه ای برای شناسایی و دستگیری عاملان این سرقت ها در دستور کار پلیس قرار گرفت. رئیس پلیس مشهد افزود: تیم های گشت نامحسوس کلانتری بانوان در مشهد ماموریت یافتند این سرقت ها را پیگیری کنند.
سرهنگ آقا بیگی خاطر نشان کرد: افسران پلیس زن در این عملیات ضربتی به حرکات و رفتار چهار زن جوان مشکوک شدند و آن ها را تحت نظر قرار دادند. وی تصریح کرد: ماموران کلانتری بانوان این چهار زن را پس از دقایقی در حال سرقت و جیب بری داخل اتوبوس بی آرتی دستگیر و در بازرسی از وسایل همراه آنان دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اسکناس مچاله شده سرقتی کشف کردند. سرهنگ آقا بیگی اظهار کرد: پلیس مخفیگاه این چهار زن را نیز با هماهنگی مقام قضایی مورد بازرسی قرار داد که در نتیجه ۱۲ عدد کیف زنانه، یک جفت گوشواره و یک دستبند طلا و ۹ میلیون و ۸۰ هزار تومان وجه نقد مسروقه کشف شد. تحقیقات از اعضای این باند ادامه دارد.

اولیای دم از قصاص قاتل گذشتند

یک جوان محکوم به قصاص، روز پنج شنبه گذشته قبل از اجرای حکم با میانجی گری امام جمعه اهل سنت شهرستان آزادشهر از قصاص نفس رهایی یافت.
به گزارش باشگاه خبرنگاران، پادر میانی مولوی گرگیج، امام جمعه اهل سنت آزادشهر منجر به رهایی یک جوان بلوچ از اجرای حکم قصاص نفس شد و دو طایفه "ریگی" و "رخشانی" نیز پس از ۱۱ سال درگیری و نزاع که منجر به قتل یک جوان از طایفه "ریگی" شده بود با یکدیگر صلح کردند. در جلسه‌ای که روز پنج شنبه در مسجد حضرت حمزه (رض) واقع در روستای عباس آباد املاک از توابع شهرستان مینودشت استان گلستان برگزار شد اولیای دَم از طایفه ریگی با اعلام رضایت خود از اجرای حکم قصاص صرف نظر کردند. مولوی گرگیج در پایان این جلسه از جوانان تقاضا کرد به خاطر مسائل جزئی نزاع و درگیری ایجاد نکنند و همچنین بزرگان طوایف هنگامی که با بحران روبه رو شدند با درایت و اندیشه، آن را مدیریت کنند.

درامتداد روشنایی

دختری در چنگ قاتل نامرئی

وقتی صدای جیغ های وحشتناک یک مادر سکوت صبحگاهی پارک را شکست من هم مانند تعداد دیگری از مسافران و شهروندان به سوی چادر مسافرتی دویدم که ساکنان آن وحشت زده به سر و رویشان می کوبیدند. دختری خردسال کف چادر افتاده بود و مادر شوک زده اش با چشمانی گریان فقط فریاد می کشید تا این که ...
سرپرست گروه ایمنی و سلامت مسافران نوروزی شهرستان راور که از شدت خوشحالی اشک هایش بر گونه می غلتید در حالی که از لبخندهای مادر گریان برای نجات فرزندش ذوق زده شده بود در تشریح چگونگی نجات دختر ۸ ساله نیشابوری از چنگال قاتل نامرئی به توکلی خبرنگار خراسان گفت: صبح روزهایی که در ایستگاه ایمنی و سلامت مشغول کار می شدم طبق عادت همیشگی حدود ۲ ساعت زودتر از زمان آغاز به کار به پارک جنگلی الغدیر می رفتم تا همانند دیگر شهروندان ساعتی را به ورزش و پیاده روی بپردازم.
پارک جنگلی در نزدیکی ایستگاه ایمنی و سلامت مسافران نوروزی شهرستان راور قرار داشت و من در روزهایی که نوبت کاری ام بود خوشحال و مشتاق تر از همیشه وارد پارک می شدم چرا که در روزهای نوروز با زائران آقاعلی بن موسی الرضا برخورد می کردم. مسافران نوروزی مشهد معمولا در این پارک چادرهای مسافرتی خودشان را برپا می کردند و من از هم صحبتی با زائران و دیدن چادرهای مسافرتی رنگارنگ آنان لذت می بردم.
هادی خواجوی افزود: وقتی مسافران را می دیدم که صبح زود مشغول آماده کردن صبحانه هستند یا برای عزیمت به سوی مشهد با عجله وسایلشان را جمع می کنند به حالشان غبطه می خوردم و از آنان می خواستم سلام ما خدمتگزاران زائرانش را نیز به آقا برسانند.
حتی از دیدن کودکان خردسالی که صدای شادی کودکانه شان با نغمه پرندگان پارک در هم می آمیخت شادمان می شدم و در گوشه ای خیره به آن ها می نگریستم. «هادی خواجوی» ادامه داد صبح نهم فروردین طبق معمول مشغول ورزش در پارک بودم که ناگهان صدای جیغ و شیون یک مادر توجهم را جلب کرد.
دوان دوان خودم را به چادر مسافرتی آنان رساندم. دختربچه ۸ ساله اهل نیشابور با صورتی کبود و بیهوش کف چادر افتاده بود و اعضای خانواده اش مضطرب و نگران جیغ می کشیدند و کمک می خواستند. با دیدن پیک نیک روشن بلافاصله فهمیدم که دخترک دچار گاز گرفتگی شده است.
دختر کوچک تنفس نداشت اما نبضش بسیار ضعیف می زد. بلافاصله مهسا را به بیرون از چادر بردم و با تنفس راه هوایی مجاری تنفسی او را باز کردم. وقتی مهسا کوچولو با صدای عجیب نفس عمیقی کشید و چشمانش را باز کرد من هم عرق های صورتم را پاک کردم و به سجده افتادم. مادر مهسا کمی آب آورد که مقداری روی صورت دخترک پاشیدم تا هوشیاری اش کامل شد پیک نیک را خاموش کرده بودم که نیروهای اورژانس رسیدند و دیگر اعضای خانواده را به بیمارستان بردند اما در آمبولانس جایی برای پدر مهسا نمانده بود به همین دلیل او را با خودروی خودم به مرکز درمانی رساندم. پدر مهسا گفت از بندرعباس به سوی نیشابور برمی گشتیم که شب را در پارک ماندیم. هوا سرد بود و ما برای گرم نگه داشتن چادر همه روزنه های ورود هوا را بستیم و پیک نیک را روشن گذاشتیم اما کاش حداقل یکی از روزنه ها را نبسته بودیم و...
این گونه بود که وقتی به بیمارستان رسیدیم و من لبخند مادر مهسا را دیدم خدا را شکر کردم که شرمنده این خانواده نشدم.
ماجرای واقعی با همکاری هلال احمر استان کرمان

دستگیری ۳ تن از عوامل ناامنی در جنوب کرمان

توکلی - سه نفر از عوامل ناامنی شهرستان عنبرآباد در جنوب کرمان دستگیر شدند.
فرمانده انتظامی عنبرآباد گفت: این افراد سوابق سرقت مسلحانه، گروگان گیری و آدم ربایی داشتند که طی عملیاتی توسط ماموران انتظامی عنبرآباد دستگیر شدند.
به گزارش خبرنگار ما بیدشکی افزود: از متهمان مقادیری سلاح و مهمات کشف شد.

تکمیل تیم حقوقی-وکیل مجرب (رهبری)
ودو وکیل پایه یک (املاک واسناد)
۰۵۱۳۲۲۵۳۲۰۰
د/۹۷۰۰۲۱۲۱

توجه
حکاکی دعای شرف الشمس بر روی سنگ عقیق اصل در روز ۱۹ فروردین با رعایت آداب
خواص حرز شرف الشمس: افزایش رزق و روزی- دفع بلا و ایجاد مهر و محبت
جهت سفارش با ۰۹۳۵۱۴۵۶۵۱۱-۳۲۲۱۷۲۰۳
تماس بگیرید. نقره جات مهدی ۷۰۰۳۱۷۵

بهترین شرایط بیمه ای
هر روز در صفحه تخصصی فعالان بیمه
امروز صفحه ۵۱ نیازمندها
سفارش آگهی: ۰۹۱۳۱۹۴۶۴۱۰
۰۹۳۵۲۷۴۲۸۵۷
د/۹۶۲۴۲۰۰۹